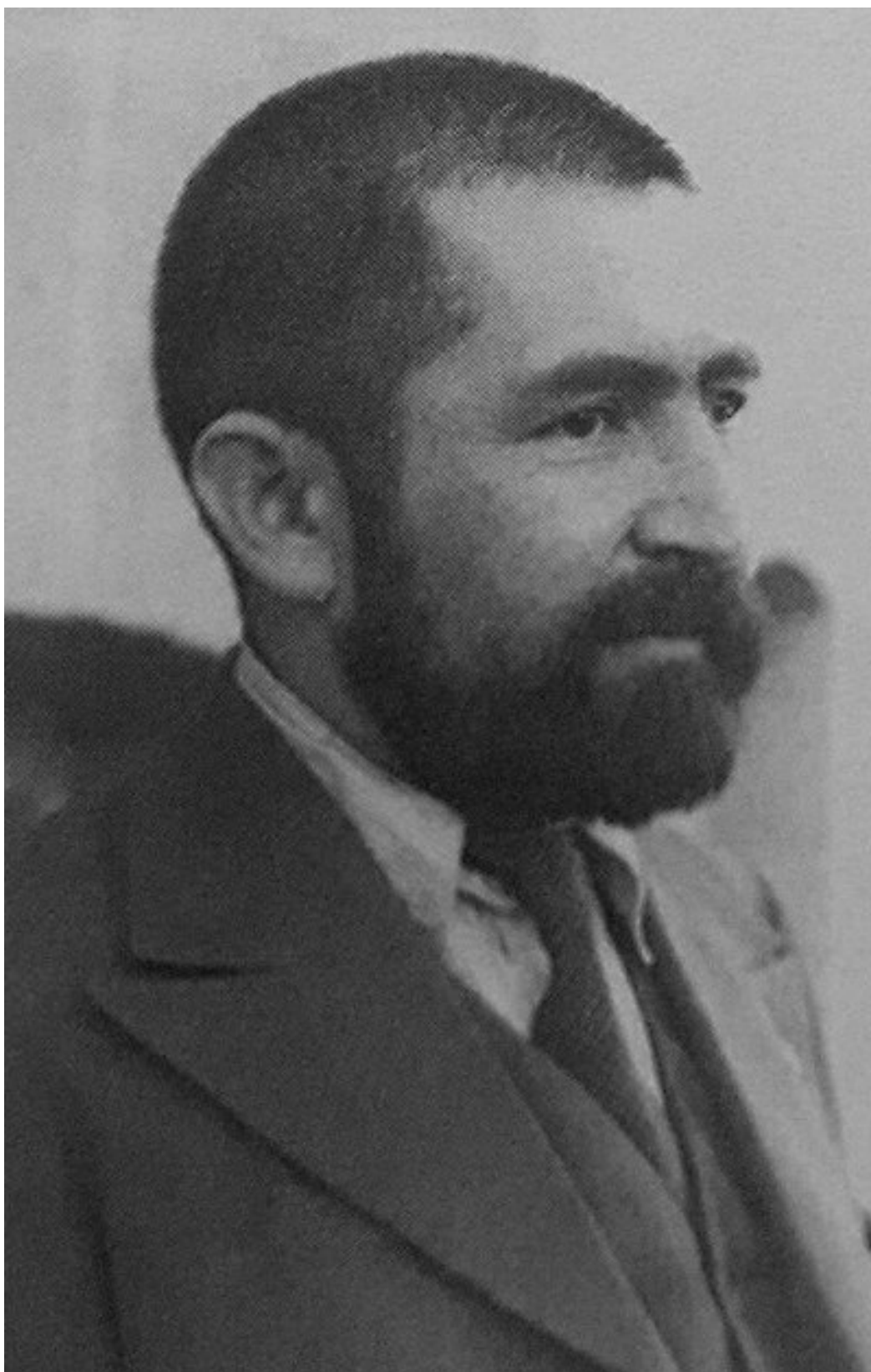


## بدیع الزمان فروزانفر



- \* **بدیع الزمان فروزانفر**، یکی از بزرگان ادب و زبان پارسی بوده است.
- او هم ادیب، هم نویسنده، هم ترگمان (مترجم)، هم سراینده، هم پژوهشگر ادبی و هم استاد دانشگاه بود.
- زادگاه او شهر **بُشرویِه** بود،
- **بُشرویِه** یکی از شهرهای استان **خوارسان** است.
- خانواده ی او همگی سرشان در کارِ دانش و پژوهش بود.
- در آغاز زندگی او به نام **محمد حسین بُشرویِه ای** شناخته می شد.
- سال ۱۲۹۸ خورشیدی بود که در پی سرودنِ چکامه ای (قصیده ای) در ستایشِ **بهار**، برنام (لقب) **بدیع الزمان** را از **احمد قوام** که در آن تاریخ استاندارِ استان **خوارسان** بود، دریافت کرد.
- \* پدرش **شیخ علی بُشرویِه ای** از بزرگانِ آن پهنه و از سراینندگانِ زمانِ مردمسالاری (مشروطه) بود.



بدیع الزمان فروزانفر در جوانی

\* بدیع الزمان آموزش های نخستین را در زادگاه خود آموخت. سپس راهی سیناباد (مشهد) شد و توانست از آموزش های استادان ادب خوراسان، همچون ادیب نیشابوری و ادیب پیشاورى بهره ببرد.  
- پیرامون سال ۱۹۲۲ ترسایى به تهران رفته و آموزش های خود را در مدرسه سپهسالار دنبال می کند. در مدرسه سپهسالار

در یاخته ( حجره ) ای می زیسته است. او توانسته بود در همان مدرسه سپهسالار به آموزش دادن جوانان سرگرم شود.  
- چندی دیرتر در سال ۱۹۲۷ ترسایی به پایگاه آموزگاری در دارالفنون و دارالمعلمین عالی می رسد. سپس در سال ۱۹۳۵ ترسایی به دستیاری ( معاونت ) دانشکده ی معقول و منقول ( الهیات ) در دانشگاه تهران برگزیده می شود.

\* فروزانفر یکی از مولوی شناسان به نام بود.

- او نسکی به نام تحقیق در زندگانی مولانا جلال الدین بلخی نوشت که گروهی از دانشمندان ایرانی آن زمان مانند نصرالله تقوی، علی اکبر دهخدا و ولی الله نصر آن را ارزیابی کرده و گواهی دادند که فروزانفر شایسته ی فرنام ( عنوان ) دکترا می باشد.

- همین فرنام و همین گواهی نامه پایه و مایه ی آن شد که در همان سال، فروزانفر به استادی دانشسرای عالی و دانشکده های ادبیات و معقول و منقول دانشگاه تهران، بر گزیده شود.

- فروزانفر استاد راهنمای گروهی از دانشجویانی بود که سرآمد دیگر دانشجویان بودند. سپس ترها بیشترین آنان از استادان برجسته ی ادب پارسی و پژوهش در فرهنگ ایران شدند.

- از آن میان می توان از پرویز قاتل خانلری، ذبیح الله صفا، مهدی حمیدی شیرازی، عبدالحسین زرین کوب، غلامحسین یوسفی، محمد امین ریاحی، قدمعلی سرامی، سید محمد دبیر ساقی، احمد مهدوی دامغانی، محمدرضا شفیعی کدکنی، سیمین دانشور، محمد نشاط، ضیاءالدین سجادی، جلال متینی، سید صادق کوهرین، منوچهر ستوده، منوچهر مرتضوی، مرتضی مولانا، محمود مقتدائی و بسیاری دیگر، نام برد.

\* سال ۱۳۴۶ بود که بدیع الزمان فروزانفر خود را از استادی دانشگاه بازنشسته کرد ولی همکاری های خویش را در بخش آموزش دادن در رشته ی دانش های ادبیک ( ادبیات ) تا پایان زندگی دنبال کرد.

- فروزانفر، چندین سال هم، هموند مهستان ( مجلس سنا ) و هم، فرنشین نسک خانه ی پادشاهی بود.

\* بدیع الزمان فروزانفر، این استاد بزرگ زبان و فرهنگ ایرانی در ۱۲ ژوئیه ۱۹۷۰ در تهران جان به جهان آفرین وامی سپارد.  
- او را در باغ توتی ( در شاه عبدالعظیم ) به خاک می سپارند.

\* شفیعی کدکنی در باره ی آرامگاه او می گوید: « تولیت آستان حضرت عبدالعظیم ( با گذشت سی سال و رفع مانع فقهی ) قبر بدیع الزمان فروزانفر، از استادان بزرگ دانشگاه تهران و یکی از نوادر فرهنگ ایرانزمین را، به مبلغ یک میلیون تومان به یک حاجی بازاری فروختند. هیچ کس این حرف را باور نمی کند. من خود نیز باور نمی کردم تا ندیدم.»

\* بهمانگونه که شفیعی کدکنی نوشته باور کردن چنین رخدادی بسیار سخت است.

ولی یادمان باشد که ما چهل و اندی سال است زیر چیرگی مثنی آئیرانی به نام آخوند بسر می بریم.

- از آخوند و دم و دستگاه و کارهایش هیچگاه، به هیچ روی نباید شکفت زده شد،

- آخوند در همه ی زندگی جز فریب و دروغ و ریا هنر دیگری یاد نگرفته،

- آخوند برای پیشبرد اندیشه های اهریمنی خود، دست به هر ترفند و کلکی می زند،

- آخوند بر سرزمین اهورایی ما چیره شده، این بر کسی پوشیده نیست! پس از برپایی جمهوری اسلامی از خمینی پرسیده شد چگونه است که آنچه شما در فرانسه گفتید، چیز دیگری بود و با آنچه در ایران فرمان می دهید، یکی نیست.

- این دشمن ایران و فرهنگ ایرانی و دست نشانده ی بیگانگان، به روشنی و با بی شرمی هر چه بیشتر پاسخ داد در فرانسه تَقیه می کردم.

- از آخوند و از این دم بریده هرچه بگویی برمی آید.

\* چَم ( معنی ) تقیه در واژه نامه های گوناگون:

۱ - واژه نامه ی نوین از: محمد قریب

تقیه = پرهیز کردن - خودداری کردن - آشکار نکردن عقیده و مذهب خویش، در مواردی که ضرر مالی یا جانی یا عرضی متوجه شخص باشد.

۲ - فرهنگ عمید :

تقیه = پرهیز کردن - خودداری از اظهار عقیده و مذهب یا تظاهر بر خلاف عقیده - خود را هم مذهب دیگران نشان دادن برای حفظ جان

۳ - فرهنگ معین :

تقیه = پرهیز کردن - خودداری کردن - پرهیز کاری - خودداری - خودداری از اظهار عقیده و مذهب خویش در مواردی که ضرر

مالی یا جانی یا عرضی متوجه شخص باشد.

گردآورنده : ژاله ( افتخار) دفتریان

تیرماه ۲۵۸۱ ایرانی

ژوئیه ۲۰۲۲ ترسایبی